



:

:

:

:

:

:

:





:

:

:

:

:

:

:



/

:

/

:

:

:

:

-
-
-
-
-
-
-

این پژوهش ناچیز را به پیشگاه مقدس و ملکوتی انبیاء الهی و امامان معصوم (ع) به ویژه حضرت بقیه‌الله‌الاعظم، حضرت حجه‌بن‌الحسن‌العسکری عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تقدیم می‌دارم، که با اتکا به نور معرفت الهی و شعار مقدس الله‌اکبر و لاله‌الاله بنیاد ظلم، ستم، کفر و ارتداد را بر خواهند کُند و بشریت را به صراط مستقیم الهی هدایت خواهند نمود.

آرزومند است در پیشگاه قدسی و ملکوتیشان مقبول نظر افتد و ذخیره آخرت این حقیر باشد.

در اینجا لازم می‌دانم از شاگردپروری، حمایت، هدایت و دقت نظر استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر طاهر علیمحمدی و مساعدت و همراهی استاد محترم مشاور حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق غلام‌جمشیدی که در تدوین و تصحیح این پژوهش بر این جانب منت نهاد، با تشویق‌ها، راهنماییها و در اختیار گذاشتن منابع و مآخذ مرا مرهون الطاف خویش قرار داده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

ب

-
- :
- - - :
- ۴-۱-۱-۱ ارتداد در لغت
- ۵-۱-۱-۲ ارتداد در اصطلاح
- ۷-۱-۱-۳ کاربرد واژه ارتداد و مشتقات آن در قرآن
- ۸-۱-۱-۴ کاربرد واژه ارتداد در روایات
- - - :
- ۹-۱-۲-۱ ارتداد در آیین یهود
- ۱۱-۲-۲-۱ ارتداد در آیین مسیحیت
- ۱۲-۲-۳-۱ ارتداد در آیین زرتشت
- ۱۳-۲-۴-۱ ارتداد اعراب پیش از اسلام
- - - :
- :
- - - :
- ۲۲-۱-۱-۲ از دیدگاه فقهای امامیه
- ۲۷-۱-۲-۲ از دیدگاه فقهای اهل سنت
- - - :
- :
- - - :
- ۳۵-۱-۱-۳ انکار اصل دین
- ۳۶-۱-۲-۳ انکار ضروری دین
- ۴۳-۱-۲-۱-۳ نقش علم در ارتداد

- - - :
- ۴۹..... ۳-۲-۱- حکم سب پیامبر اسلام(ص)
- ۵۲..... ۳-۲-۲- حکم سب دیگر پیامبران
- ۵۳..... ۳-۲-۳- حکم سب امامان معصوم(ع)
- ۵۴..... ۳-۲-۴- رابطه سب و ارتداد
- :
- - - :
- ۵۸..... ۴-۱-۱- ملاک ثابت شدن اسلام
- ۶۲..... ۴-۱-۲- چگونگی ثابت شدن ارتداد
- ۶۲..... ۴-۱-۲-۱- علم قاضی
- ۶۲..... ۴-۱-۲-۲- بینه
- ۶۵..... ۴-۱-۲-۳- اقرار
- - - :
- :
- - - :
- ۷۰..... ۵-۱-۱- ماهیت جرم ارتداد
- ۷۱..... ۵-۱-۲- حکم قتل از دیدگاه امامیه
- ۷۱..... ۵-۱-۲-۱- مرد مرتد به ارتداد فطری
- ۷۲..... ۵-۱-۲-۲- زن مرتد به ارتداد فطری
- ۷۲..... ۵-۱-۲-۳- مرد مرتد به ارتداد ملّی
- ۷۳..... ۵-۱-۲-۴- زن مرتد به ارتداد ملّی
- ۷۴..... ۵-۱-۳- حکم قتل از نظر مذاهب اربعه
- ۷۸..... ۵-۱-۴- دلایل قایلان به وجوب قتل مرتد
- ۸۰..... ۵-۱-۴-۱- متولی اجرای حکم قتل
- ۸۲..... ۵-۱-۵- دلایل قایلان به پذیرش توبه مرتد فطری
- - - :

۱-۲-۵- احکام مرتد فطری ۱۶

۲-۲-۵- احکام مرتد ملی ۹۱

- - :

۱-۳-۵- از دیدگاه حنفیه ۹۶

۲-۳-۵- از دیدگاه مالکیه ۱۰۱

۳-۳-۵- از دیدگاه شافعیه ۱۰۵

۴-۳-۵- از دیدگاه حنبلیه ۱۰۸

.....

:

.....

- - :

.....

- - :

.....

۱-۲-۶- آزادی عقیده ۱۲۰

۲-۲-۶- آزادی بیان ۱۲۳

۱-۲-۲-۶- رابطه ارتداد با حقوق خداوند ۱۲۳

۲-۲-۲-۶- رابطه ارتداد با حقوق جامعه و شهروندان ۱۲۴

.....

.....

واژه "ارتداد" در لغت به معنای "رجوع و بازگشت" و در اصطلاح فقیهان به معنای "اختیار کفر بعد از اسلام آوردن" است.

در فقه امامیه ارتداد بر دو قسم "فطری" و "ملّی" است؛ ولی در فقه مذاهب چهارگانه، تنها یک قسم و با احکامی همانند مرتد ملّی مطرح می‌باشد. با وجود اتفاق نظر در معنای مرتد ملّی، فقهای امامیه در تعریف مرتد فطری اختلاف نظر دارند. در این نوشتار، ضمن بیان اختلاف مذکور، به بررسی روایات دالّ بر این تقسیم و سپس احکام ارتداد از دیدگاه مذاهب پنجگانه پرداخته شده است. مهمترین تفاوت ارتداد فطری با ملّی، حکم قتل و عدم پذیرش توبه مرتد فطری است که در این تحقیق به مستندات آن پرداخته می‌شود.

یکی از مسائل مهم و چالش برانگیزی که در اسلام مطرح گشته، مسأله ارتداد و احکام مرتد است که بیشتر در باب حدود به آن پرداخته می‌شود.

در این باب، مجازاتهای شدیدی؛ همچون قتل، حبس و مصادره اموال مرتد، با شرایط و خصوصیات گوناگون، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اجماع فقیهان بر برخی از این مجازاتها در کتب شیعه و سنی فراوان نقل شده است^۱.

با وجود طرح موضوع ارتداد در قرآن، هیچ یک از مجازاتهای دنیوی آن مورد اشاره قرار نگرفته و این مهم به عهده روایات منقول از ائمه اطهار(ع) سپرده شده است.

این موضوع که به عنوان یک مسأله اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از دیرباز در محافل دینی مطرح بوده، با توجه به رخدادهای بحران‌خیز کنونی در صحنه جهانی و پیدایش شگردها و جریانهای جدید در صحنه بین‌المللی از طرف دشمنان اسلام و بی‌دینان برای مقابله با دین و مقدسات اسلامی لازم است که از زوایای مختلف و با حساسیت بیشتری مورد نقد و بررسی محافل مختلف علمی، فرهنگی و سیاسی قرار گیرد.

مطرح شدن این مقوله در سطح محافل فرهنگی و سیاسی و نیز موضع‌گیری منفی بنگاههای استکباری، صلیبی و صهیونی در قبال آن و شبهاتی که از سوی دانشمندان غربی در خصوص تعارض آن با حقوق بشر و آزادی عقیده و بیان مطرح شده می‌طلبد که عالمان و اندیشمندان اسلامی به مقابله علمی با آن پرداخته و به تناسب تخصص و دانش خویش با تبیین و روشن‌گری، غبار ابهام و ناشناختگی را از این حکم اسلامی بزدايند و تلاشها و شیطنتهای بدخواهان اسلام را با شکست مواجه سازند.

این ادعای تعارض که روشنفکران مسلمان ناآگاه از متون دینی را با نگاهی سطحی به آیه «لا اکراه فی الدین^۲» و «احتیاط در حفظ دماء» به همفکری و همنوایی فرا می‌خواند، پژوهشگر متعهد را در راستای پاسخگویی به این شبهه وادار می‌سازد که با بررسی دقیق موضوع از نظر منابع اسلامی و با نگاهی فقهی، ابهامات موجود را روشن ساخته و با اثبات اصل موضوع و تعیین حدود و ثغور آن، جوابی درخور ارائه دهد.

۱- ربک: طوسی، محمد بن حسن، النهایه، ۵۲۴؛ حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، ۴/ ۹۶۱؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، روضه البهیة، ۳۳۷-۳۳۴؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ۳/ ۵۷۴؛ اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، ۱۳/ ۳۱۹؛ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۴۱/ ۶۰۵؛ نووی، یحیی بن شریف، مغنی المحتاج، ۴/ ۱۴۰؛ ابوالبرکات، احمد الدردیر، الشرح الکبیر، ۴/ ۳۰۴؛ بهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع، ۶/ ۲۲۱ و جزری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۵/ ۴۲۴.
۲- بقره/ ۲۵۶.

موضوع ارتداد جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فقهی و کلامی دارد که مناسب است هر یک به گونه‌ای مستقل مورد بررسی قرار گیرد و اهالی قلم و اندیشه پیرامون ابعاد مختلف آن با دقت و موشکافی خاص به تحقیق و تفحص بپردازند. در این پژوهش، نویسنده بیشتر همت خود را متوجه حکم فقهی ارتداد کرده و به طور مختصر بحثی کلامی نیز در پایان رساله آورده است. برای رسیدن به این هدف، پاسخ به پرسشهای ذیل ضروری است:

- اقسام ارتداد و احکام آنها چیست؟

- آیا موضوع ارتداد با صرف تغییر عقیده محقق می‌شود یا عناوین دیگری نیز در آن دخالت

دارد؟

- آیا توبه مرتد در سقوط مجازاتهای او مؤثر است یا خیر؟

- اگر انکار ضروری دین را از موجبات ارتداد بدانیم؛ اولاً، تعریف دقیق آن چیست؟ ثانیاً، آیا مستقلاً تأثیرگذار در وقوع ارتداد است یا در صورتی که مستلزم انکار خدا و پیامبر باشد، موجب ارتداد می‌شود؟

- انکار یکی از احکام ضروری از روی شبهه چه حکمی دارد؟

اینها نمونه‌هایی از پرسشهایی است که می‌توان بر اساس آنها محور و فضای کلی سخن در این تحقیق را به دست آورد. بررسی همه جانبه احکام مرتد، پیشینه تاریخی، نظریات فقهی و مستندات آن در راستای یافتن پاسخ پرسشهای مورد اشاره راهی است که در این تحقیق پیموده شده است. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی استفاده شده و با فیش‌برداری و جمع‌آوری مطالب مورد نیاز از کتب فقهی با تعیین سرفصلهای کلی موضوع و جمع‌بندی و ارتباط آنها با یکدیگر به تشریح موضوع در شش فصل پرداخته شده است. فصل اول به کلیاتی در باره مفهوم ارتداد و پیشینه تاریخی آن و فصل دوم به اقسام و شرایط تحقق ارتداد اختصاص دارد. در فصل سوم، موجبات و آثار ارتداد، در فصل چهارم، راههای اثبات ارتداد، در فصل پنجم، احکام ارتداد از دیدگاه فقه مذاهب پنج‌گانه اسلامی و در فصل ششم، رابطه ارتداد با آزادی عقیده و بیان مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش اولین و آخرین تحقیق در این زمینه نخواهد بود؛ زیرا دانش‌پژوهان و محققانی در ارتباط با ارتداد و مسائل پیرامون آن بحث کرده و خواهند کرد. نظر به اینکه در تحلیل چنین مباحث مهمی امکان خطا و لغزش وجود دارد، نویسنده خود را از چنین امری مبراً نمی‌داند و انتظار دارد اساتید محترم به دیده اغماض در آن بنگرند و با تأکید روی نقاط مثبت، سبب‌ساز دلگرمی اینجانب در تحقیقات آتی شوند. و من الله التوفیق.

•
•

- -

۱-۱-۱- ارتداد در لغت

ارتداد از ماده "ردّ" مشتق شده و به معنای "رجوع و برگشت" و نیز "دگرگونی"^۲ است. در معنای واژه "ردّ" چنین گفته‌اند:

«الردّ صرف الشئ و الردّ مصدر رددت الشئ^۳؛ ردّ عبارت است از برگرداندن یک چیز، و ردّ مصدر "رددت الشئ" می‌باشد.»

وقتی می‌گویند: "ردّه الی منزله"^۴؛ یعنی او را به خانه‌اش برگرداند. و یا وقتی می‌گویند: "ردّ علیه جواباً"^۵؛ یعنی پاسخی را به او برگرداند. در معنای "ارتداد" نیز نوشته‌اند:

«ارتداد به معنای بازگشت است و واژه مرتد از همین ماده می‌باشد و "ردّ" اسم (مصدر) ارتداد است.»

لغوی دیگر در تعریف ارتداد می‌گوید:

«و قد ارتدّ و ارتدّ عنه تحوّل^۶؛ (وقتی گفته می‌شود) مرتد شده و از آن برگشته است؛ یعنی

دگرگون شد.»

سپس می‌نویسد:

- ۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۲/ ۴۷۳؛ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، ۲/ ۳۸۶؛ مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ۲/ ۳۵۱ و طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۲/ ۱۶۵.
- ۲- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ۳/ ۱۷۳ و مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۲/ ۳۵۱.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، ۳/ ۱۷۲.
- ۴- همان، ۲/ ۱۷۳.
- ۵- همان.
- ۶- جوهری، الصحاح، ۲/ ۴۷۴.
- ۷- مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۲/ ۳۵۱.

«از همین قبیل است بازگشت از اسلام و اگر کسی از اسلام برگردد به او گفته می شود که از دین خود مرتد شده است.^۱»

در مفردات راغب آمده است:

«ارتداد والردّه، الرجوع فی الطریق الذی جاء منه لکن الردّه تختص بالكفر و الارتداد يستعمل فیهِ و فی غیره^۲؛ ارتداد و رده بازگشت در راهی است که از آن آمده است؛ اما رده اختصاص به کفر دارد و ارتداد هم در مورد کفر و هم در مورد غیر کفر استعمال می شود.»
بنابراین مرتد را از آن جهت مرتد می گویند که خود را به کفر خویش بر می گرداند.^۳

۱-۲- ارتداد در اصطلاح

در اصطلاح فقهای شیعه و اهل سنت ارتداد عبارت است از اینکه کسی از اسلام خارج شود و کفر را برگزیند.^۴ از جمله اینکه شیخ طوسی می گوید:

«ارتداد عبارت است از کافر شدن بعد از مسلمان بودن.^۵»

ابن قدامه از فقهای اهل سنت نیز می گوید:

«مرتد کسی است که از دین اسلام به کفر برگردد.^۶»

بنابراین همچنانکه برخی از محققان گفته اند:

«در واقع ارتداد یک حالت جدید اعتقادی و تحول عقیدتی است که با انکار یکی از اصول

سه گانه اسلام (توحید، نبوت و معاد) و یا اصلی از اصول ضروری دین که انکار آن اصل به انکار

اصول سه گانه اسلام منتهی می شود، برای شخص مسلمان رخ می دهد.^۷»

از ظاهر این تعاریف بر می آید که صرف تغییر عقیده، در تحقق ارتداد کافی است، اما با دقت

در برخی تعاریف دیگر و نیز راههای تحقق ارتداد از نظر فقیهان می فهمیم که چنین نیست؛ بلکه

اظهار کفر سبب تحقق ارتداد است. به عنوان مثال ابوصلاح حلبی در تعریف ارتداد چنین گفته است:

«ارتداد آشکار نمودن شعائر کفر است پس از ایمان به گونه ای که همراه آن، انکار پیامبر اکرم

(ص) یا چیزی از مسلمات دین او مانند نماز، زکات، حرمت زنا و شرب خمر باشد. اما اگر کفر او

۱- مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۲/ ۳۵۱.

۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، ۱۹۲.

۳- ر.ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲/ ۳۸۶.

۴- ر.ک: محقق حلّی، شرایع الاسلام، ۴/ ۹۶۱؛ علامه حلّی، قواعد الاحکام، ۳/ ۵۷۳؛ فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ۲/

۴۳۵؛ الخطاب الرعینی، محمد بن محمد، مواهب الجلیل، ۸/ ۳۷۰؛ ابوالبرکات، الشرح الکبیر، ۴/ ۳۰۱؛ ابن قدامه، عبدالله، المغنی،

۱۰/ ۷۴ و ابن قدامه، عبدالرحمن، الشرح الکبیر، ۱۰/ ۷۴.

۵- شیخ طوسی، المبسوط، ۷/ ۲۸۲.

۶- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ۱۰/ ۷۴.

۷- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی اسلام، ۳/ ۳۱۹ به نقل از علامه حلّی، تذکره الفقهاء، ۱/ ۴۷۵ و نجفی، محمد حسن،

جواهر الکلام ۲/ ۳۴۳.

نسبت به چیزی از دین به استدلال علمی ثابت شود؛ مانند اعتقاد به جبر یا تشبیه یا انکار امامت و مانند اینها، در این صورت ارتداد در مورد او صدق نمی‌کند؛ هر چند که انکار چنین اموری فی نفسه کفر است^۱»

چنانکه از این تعریف بر می‌آید، اظهار کفر ملاک تحقق این موضوع است و صرف تغییر عقیده کافی نخواهد بود.

علامه حلی در باره راههای تحقق ارتداد می‌گوید:

«ارتداد به یکی از این راهها محقق می‌شود: یا از طریق انجام عملی مانند سجده در مقابل بت، پرستش خورشید، انداختن قرآن در زباله‌ها و هر عملی که به صراحت تمسخر تلقی شود، یا از طریق گفتار؛ مانند به زبان آوردن کلمه‌ای که به صراحت دلالت داشته باشد بر انکار واجب یا حرامی که از ضروریات دین به شمار می‌آید؛ خواه این گفتار از سر ستیز باشد و یا از روی شبهه و یا از روی باور و اعتقاد و یا به منظور تمسخر^۲»

از این گفتار نیز بر می‌آید که تحقق ارتداد، وابسته به اظهار و آشکار کردن آن است؛ خواه در ضمن عملی از اعمال واقع شود و خواه از طریق گفتار. از برخی تعاریف اهل سنت نیز همین مطلب استفاده می‌شود؛ آنجا که می‌گویند:

«رده عبارت است از بریدن از اسلام با نیت، آن هم به قول یا به فعل، و آن کفر است و فرقی نمی‌کند این عمل از روی استهزا یا اعتقاد و یا عناد باشد^۳»

نیز برخی دیگر از فقهای اهل سنت معتقدند که ارتداد عبارت است از رجوع از ایمان^۴ و مرتد کسی است که از دین اسلام برگشته باشد^۵.

از این تعاریف و مطالب، معلوم می‌شود که همه فقیهان، ارتداد را به معنای انتخاب کفر بعد از اسلام دانسته‌اند؛ گرچه از آن با تعبیر مختلفی همچون؛ قطع اسلام^۶، رجوع از اسلام، اظهار شعائر کفر بعد از ایمان و خروج از اسلام^۷ یاد کرده‌اند.

۱- حلبی، ابو صلاح، الکافی فی الفقه، ۳۱۱.

۲- علامه حلی، قواعد الاحکام، ۳/۵۷۳.

۳- المجلس الاعلی للثؤون الاسلامیه، موسوعه الفقه الاسلامی، ۴/۲۵۲.

۴- ربک: بکری دمیا طی، ابوبکر، اعانه الطالبین، ۴/۱۴۹ و کاسانی، ابوبکر، بدائع الصنائع، ۷/۱۳۴.

۵- ربک: المجلس الاعلی للثؤون الاسلامیه، موسوعه الفقه الاسلامی، ۴/۲۵۲.

۶- ربک: محقق اردبیلی، مجمع الفایده و البرهان، ۱۳/۳۱۳ و نووی، یحیی بن شرف، مغنی المحتاج، ۴/۱۳۳.

۷- ربک: امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ۲/۳۶۶.

۱-۱-۳- کاربرد واژه ارتداد و مشتقات آن در قرآن

این واژه در بسیاری از آیات به معنای لغوی اش به کار رفته^۱ که از جمله آنها آیه ذیل است:

و به عقب بازگردید که زیانکار خواهید شد.»

در این آیه، واژه "تَرْتَدُّوْا"^۲ از همین ریشه و به معنای بازگشت به عقب است.

در برخی آیات دیگر نیز به معنای اصطلاحی اش آمده است^۴ که از جمله آنها می توان به آیه

ذیل اشاره کرد:

»

و آنان پیوسته

با شما می جنگند تا- اگر بتوانند- شما را از دینتان برگردانند. و کسانی از شما که از دین خود برگردند

و در حال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود، و ایشان اهل آتشند و در آن

ماندگار خواهند بود.»

در این آیه بازگشت از ایمان به کفر، ارتداد نامیده شده است.^۶

در آیات دیگری اصطلاح ارتداد به بازگشت به عقب؛ یعنی اتخاذ روش جاهلیت معنا شده

است:

»

بی گمان،

کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند، شیطان آنان را

فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت.»

بدیهی است که این معنا در باره مفهوم ارتداد با تعبیری که قبلاً بیان شد، تفاوتی ندارد؛ چون

مراد از بازگشت به عقب همان بازگشت به جاهلیت و کفر، است.^۸

۱- کهف / ۶۴؛ آل عمران / ۱۴۹ و یوسف / ۹۶.

۲- مائده / ۲۱.

۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۳/ ۲۶۷ و زمخشری، محمود، الکشاف، ۱/ ۶۲۰.

۴- آل عمران / ۸۶ و ۱۰۶؛ بقره / ۲۸۵؛ نساء / ۱۳۶ و مائده / ۵۴.

۵- بقره / ۲۱۷.

۶- ربک: طبرسی، مجمع البیان، ۲/ ۲۹۳؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۲/ ۱۲۱ و شوکانی، محمد بن

علی، فتح القدیر، ۲/ ۳۳.

۷- محمد / ۲۵.

۸- ربک: طبرسی، مجمع البیان، ۹/ ۱۵۸ و بانوی اصفهانی، نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر القرآن، ۱۳/ ۱۸۳.

۱-۱-۴- کاربرد واژه ارتداد در روایات

این واژه در روایات نیز کاربرد دارد. در دسته ای از احادیث، ارتداد به مفهوم مطلق بازگشت از چیزی به چیز دیگر ذکر شده و در دسته‌ای دیگر، در معنای بازگشت از دین به کفر به کار رفته است.

برای دسته اول، می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد:

«سَمِعَ ضَرِيرٌ دُعَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) ... فَسَمِعَهَا الْأَعْمَى وَ حَفِظَهَا وَ رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ الَّذِي يَأْوِيهِ فَتَطَهَّرَ لِلصَّلَاةِ وَ صَلَّى ثُمَّ دَعَا بِهَا فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى قَوْلِهِ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي ارْتَدَّ الْأَعْمَى بَصِيرًا بِإِذْنِ اللَّهِ؛ ضَرِيرٌ دَعَا إمام علي (ع) را شنید... پس کوری آن را شنید و حفظ کرد و به خانه‌ای که مأوایش بود برگشت. پس برای نماز وضو گرفت و نماز خواند، سپس آن دعا را خواند. هنگامی که به این گفته رسید که "بینایی را در چشمم قرار بده"، به اذن خدا بینایی به آن کور بازگشت (بینا شد).»

برای دسته دوم نیز به دو مورد اشاره می‌شود:

الف- محمد بن مسلم از امام باقر (ع) در یک حدیث صحیح^۲ نقل می‌کند که فرمود:

«من جحد نبياً مرسلًا نبوته و كذبه فدمه مباح فهو كافر مرتد عن الاسلام^۳؛ هرکس نبوت

پیامبری را انکار نماید و او را تکذیب کند، خونش مباح است و او کافر و مرتد از اسلام می‌باشد.»

ب- نیز وی در حدیث صحیح دیگری^۴ از امام باقر (ع) نقل کرده که فرموده است:

«من جحد اماماً من الله و برى منه و من دینه، فهو كافر مرتد عن الاسلام^۵؛ هرکس امامی را که

از جانب خدا منصوب شده منکر شود و از او و دینش بی‌زاری جوید، او کافر و مرتد از اسلام

است.»

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۹۲/۸۹.

۲- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ۱۰/۳۰۸.

۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۸/۵۴۴.

۴- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ۱۸/۱۵۶ و مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ۱۰/۳۰۸.

۵- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۸/۵۴۴.

- -

مسأله ارتداد و احکام جزایی مترتب بر آن اختصاص به اسلام ندارد. در برخی ادیان و مذاهب بزرگ دیگر هم هرگاه کسی از دین خود روی گردان شود، کافر و مرتد به حساب می آید و احکام خاصی در موردش اجرا می شود. جهت اذعان به این مطلب ضروری است نگاهی گذرا به موضوع ارتداد در برخی ادیان الهی پیش از اسلام بیندازیم.

۱-۲-۱- ارتداد در آیین یهود

در دین یهود برای کسی که از دین مذکور روی گردان شود، حکم قتل در نظر گرفته شده است. جهت اثبات این موضوع به مطالبی از تورات اشاره می کنیم.

الف- در سفر خروج تورات در باره ارتداد در آیین یهود آمده است:

«زمانی که حضرت موسی (ع) برای نزول تورات در کوه طور معتکف شد و مدت غیبت او به طول انجامید، بنی اسرائیل به هارون مراجعه کردند و از او خواستند خدای مجسمی برای آنان قرار دهد و لذا هارون از آنان خواست هر چه طلا و جواهرآلات به همراه خویش دارند، بیاورند و آنها چنین کردند و سپس هارون، جواهرات را به صورت گوساله‌ای درآورد و بنی اسرائیل آن را پرستیدند و هنگامی که موسی (ع) از این انحراف اطلاع یافت سخت بر آشفت و از جانب خدا فرمان رسید که کاهنان یعنی فرزندان لاوی همه کسانی را که به غیر خدا سجده کرده‌اند، بکشند و چنین شد و در آن روز سه هزار نفر از بنی اسرائیل کشته شدند.^۱»

۱- کتاب مقدس، ۱۰۶.

بخشی از این ماجرا نیز در قرآن کریم در سوره بقره آیه ۵۴ آمده است.

ب- درسفر تشبیه، باب ۱۷ چنین آمده است:

«اگر در میان تو در یکی از دروازه‌های که خدایت به تو می‌دهد مرد یا زنی پیدا شود که در نظر خدایت کار ناشایسته نموده و از عهد او تجاوز کند و رفته و خدایان غیر را عبادت کرده سجده نماید، خواه آفتاب یا ماه یا عصر هریک از جنود آسمان که من امر فرموده‌ام و از آن اطلاع یافته و بشنوی؛ پس نیکو تفحص کن و اینک اگر راست و یقین باشد که آن رجا است در اسرائیل واقع شده است. آنگاه آن مرد یا زن را که این کار بد را در دروازه‌های کرده است، سنگسار کن تا بمیرند، از گواهی دو یا سه شاهد، آن شخص که مستوجب مرگ است کشته شود. از گواهی یک تن کشته نشود.»^۱

بدران ابوالعینین بدران، استاد دانشگاه قاهره در این خصوص می‌نویسد:

«ماده ۳۰۵ از بخش احوال شخصیه مردم اسرائیل، گویای این است که هر گاه زن یهودی، مرتد شود بدون اینکه اکراه و اجباری بر وی مطرح باشد و یا به اجبار تغییر عقیده داده باشد و پس از زوال جبر همچنان به آیین جدید باقی بماند و با تذکر قانونی به آیین پیشین خود باز نگردد، دارای حقوق همسری نخواهد بود. و ماده ۱۷۸ نیز می‌گوید؛ زنی که مرتد شود یا شوهرش را ناخود آگاه چیز حرامی بخورد، مخالف دین شناخته می‌شود و ماده ۱۷۷ می‌گوید؛ زنی که مخالف شرع شناخته شود یا ادب دینی را مراعات نکند و یا مرتکب زنا شود، حقوقش به کلی ساقط است.»^۲

از این مواد حقوقی چنین نتیجه گرفته شده است که:

«اولاً ارتداد زن یعنی انتقال او از دین یهودی به دین دیگر موجب سقوط همسری خواهد بود، مشروط به اینکه به آیین قبلی رجوع نکند. ثانیاً ارتداد زن، مخالفت با آیین یهودی است و حکم مخالفت با دین یهودی مساوی با حکم زنا است. بنابراین همچنان که زناکار محکوم به جدایی است، در صورت ارتداد نیز چنین است. ثالثاً هر چند مواد قانونی ناظر بر حکم زن مرتد است، ولی از آنجا که در آیین یهود، زن یهودی نمی‌تواند با مرد غیریهودی ازدواج کند، پس ارتداد مرتد نیز دارای چنین تأثیری است، یعنی مرتد نیز محکوم به جدایی از همسرش خواهد بود و این جدایی فوری است و نیاز به انتظار زمانی نیست.»^۳

۱- کتاب مقدس، ۲۳۵.

۲- <http://www.dr-beheshti.com/index.php?option=com-content&view>.

۳- <http://www.dr-beheshti.com/index.php?option=com-content&view>.